

« فضای داستانی » در منظومه های عاشقانه  
« بیژن و منیژه، زال و رودابه و همای و همایون »

علیرضا مظفری<sup>۱</sup>، نرگس جابری نسب<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی

۲- استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی

چکیده

داستان بیژن و منیژه و زال و رودابه از جمله داستان های فرعی در شاهنامه است که طرح و ساختار ویژه ای دارند. که نمونه های مشابه آن در دیگر متون نیز وجود دارد. از منظومه های عاشقانه دیگر در متون ادب فارسی منظومه « همای و همایون » از خواجه کرمانی است که دارای ساختار ویژه ای است و قابل مقایسه با منظومه های « بیژن و منیژه » و « زال و رودابه » است. نگارندگان تلاش دارند در این مقاله سه منظومه عاشقانه « زال و رودابه »، « بیژن و منیژه » و « همای و همایون » را با یکدیگر مقایسه و به لحاظ ساختاری نقد کنند و وجوه مشابهت و تفاوت سه اثر را بررسی کنند. بررسی های انجام شده در این سه منظومه نشان می دهد که در موضوعاتی تفاوتها و شباهت هایی میان این سه منظومه عاشقانه وجود دارد، که عبارتند از: شیوه عاشق شدن همای و همایون و آشنایی با یکدیگر، عاشق شدن همای بر همایون در سرزمین چین. مانع وصال همای و همایون، رویداد و پایان رویدادها در منظومه، گفتگو، یاری رسان برای وصال، واسطه و رابطه میان عاشق و معشوق، صحنه های عاشقانه و فصل بهار، ابراز عشق از سوی معشوق و ... در ایجاد فضای داستانی نقش مهمی در شکل گیری روایت منظومه ها دارند.

**واژگان کلیدی:** بیژن و منیژه، زال و رودابه، همای و همایون، فضای داستانی، فردوسی، خواجه کرمانی